

سه) چنانکه خواندیم حضرت امام اشاره کرده بودند که بحث در متعلق اوامر به ۵ صورت مطرح شده است، تا کنون ۳ صورت آن را خواندیم (یک صورت مربوط به آخوند و دو صورت دیگر که در کلام مرحوم نائینی مطرح شده بود یک جا آن را مطرح کردیم) اکنون نزاع را بر اساس سخن مرحوم عراقی پی می‌گیریم:

ایشان می‌نویسد:

«من الواضح أيضا انه ليس المقصود من تعلق الأمر بالطبيعي عند القائل به هو الطبيعي بما هو موجود في الذهن من جهة وضوح انه بهذا الاعتبار مع كونه كليا عقليا غير قابل للصدق على الخارج لا يكون مما تقوم به المصلحة حتى يتعلق به الأمر و الطلب، فلا يتوهم أحد حينئذ تعلق الطلب و الأمر به بهذا الاعتبار كما لا يخفى، كوضوح عدم كون المقصود أيضا هو الطبيعي بالاعتبار الثاني من جهة وضوح ان الطبيعة بهذا الاعتبار ليست إلّا هي فلا تكون هي أيضا مركب المصلحة حتى يتعلق بها الأمر و الطلب، بل و انما المقصود من ذلك عند القائل به هو الطبيعي بالاعتبار الثالث الذي يرى كونها عين الخارج.

و عليه فمركز النزاع بين الفريقين في انّ معروض الطلب و موضوعه هو الطبيعة أو الوجود انما هو في الطبيعي بالاعتبار الثالث فالقائل بالطبيعي يدعى تعلق الطلب و الأمر بنفس الطبيعي و العناوين بما هي ملحوظة كونها خارجيّة لا بمنشأ انتزاعها و هو الوجود لا بدوا و لا بالسراية، و القائل بالوجود يدعى عدم تعلقه الا بالمعنون الخارجى الذي هو منشأ انتزاع العناوين و الصّور الذهنية.

و إذا عرفت ذلك نقول: ان الذي يقتضيه التحقيق هو الأوّل من تعلق الأمر و الطلب بنفس الطبيعة لكن بما هي مرآة إلى الخارج و ملحوظة بحسب اللحاظ التصورى عين الخارج لا بالوجود الخارجى كما كان ذلك هو الشأن فى سائر الكيفيات النفسية من المحبة و الاشتياق بل العلم و الظن و نحوها أيضا.»^۱

توضیح:

۱. مقصود از اینکه می‌گویند امر به طبیعی تعلق گرفته است، آن نیست که امر به «طبیعی موجود در ذهن» تعلق گرفته است (چراکه اولاً چنین طبیعی، کلی عقلی است [با قید حضور در ذهن] و قابل صدق بر

۱. نهاية الأفكار، ج ۲، ص ۳۸۰.



مصادیق خارجی نیست، و ثانیاً مصلحتی بر آن قائم نیست)

۲. و هم‌چنین مقصود از طبیعت، لحاظ دوم طبیعت [من حیث هی] هم نیست، چراکه این لحاظ طبیعت، دارای مصلحت نیست.

۳. بلکه مراد لحاظ سوم است [ماهیت در خارج که مغایرت آن با وجود خارجی مورد التفات و توجه نیست]

۴. پس نزاع بر سر اینکه «مطلوب، طبیعت است یا وجود»، در حقیقت به این بر می‌گردد که آیا امر و طلب تعلق گرفته است به طبیعت خارجی (و نه وجود خارجی که طبیعت از آن انتزاع می‌شود) و یا تعلق گرفته است به فرد خارجی (که عنوان طبیعت روی آن رفته است مثل زید که عنوان انسان روی آن رفته و معنوی به عنوان انسان شده است) که صورت‌های ذهنی و عنوان‌ها از آن انتزاع می‌شود.

۵. [لا بدوا و لا بالسرایة: نه وجود خارجی را از ابتدا مورد نظر دارد و نه اینکه می‌خواسته از طبیعت بر وجود خارجی برسد و حکم را به افراد سرایت دهد.]

۶. حق آن است که: امر به طبیعت از آن جهت که مرآت خارج است تعلق گرفته است) و از آن جهت که این طبیعت عین خارج لحاظ شده است) و نه آنکه به وجود خارجی تعلق گرفته باشد.

۷. [لحاظ تصویری: توجه کنید به آنچه در ما می‌گوئیم خواهیم آورد]

۸. و همه کیفیات نفسانی هم‌بگونه هستند و به «طبیعت بما هو مرآت خارج» تعلق می‌گیرند.

مرحوم عراقی سپس ادامه می‌دهند:

«أن هذه الصفات من العلم و الظن و المحبة و الاشتياق و الإرادة كما كان لها إضافة إلى النفس من حيث قيامها بها كذلك لها إضافة أيضا إلى متعلقاتها بحيث يستحيل تحققها بدونها، بل و قد يقطع الإنسان و يذعن بعدم تحقق شيء كذائي في الخارج إلى الأبد و مع ذلك يشاق إليه غاية الاشتياق و يتمنى وجوده كقولك «يا ليت الشباب لنا يعود» فان ذلك كله كاشف تام عن تعلق تلك الصفات المزبورة بنفس العناوين و الصور الذهنية لا بمنشأ انتزاعها و المعنوي الخارجي و هو الوجود، غاية بما هي ملحوظة بحسب النظر التصوري عين الخارج لا بما انها شيء في حيال ذاتها



بحیث یلتفت عند لحاظها إلى مغايرتها مع الخارج... و علی ذلك فلا محیص من المصیر فی کلیة تلك الصفات من العلم و الظن و الحب و البغض و الاشتیاق و الإرادة و نحوها إلى تعلقها بنفس العناوین و الصور الذهنیة، غایتها بما هی حاکیة عن الخارج كما شرحناه، لا بمنشأ انتزاعها و المعنون الخارجی لا بدوا و لا بالسرایة بتوسیط العناوین و الصور، کیف و ان الخارج بعد كونه ظرفا لسقوط الإرادة و الطلب یستحیل كونه ظرفا لثبوتها، فیستحیل حیثئذ تعلق الإرادة و الطلب بالمعنون الخارجی و لو بالسرایة بتوسیط العناوین و الصور، من جهة رجوعه حیثئذ إلى طلب الحاصل المحال كما هو واضح. و إرجاعه - كما فی الكفاية - إلى إرادة صدور الوجود من المكلف و جعله بسیطا بنحو مفاد كان التامة الّذی هو عبارة عن إيجاده و إفاضته لا إلى طلب ما هو صادر و ثابت فی الخارج حتی يكون من طلب الحاصل المحال، كما ترى، فآته بعد ان كان الإيجاد و جعل الشیء بسیطا معلولا للطلب و فی رتبة متأخرة عنه بنحو یتخلّل بینهما الفاء الكاشف عن اختلافهما بحسب الرتبة كقولك أردت إيجاد الشیء فأوجدته یستحیل وقوعه موضوعا للطلب و متعلقا له.^۱

توضیح:

۱. این صفات نفسانی از یک جهت قائم به نفس هستند و از یک جهت به متعلقات خود (محبّت به زید، علم به عمرو و...) اضافه شده اند.
۲. گاه آدمی می داند چیزی هرگز در خارج محقق نخواهد شد ولی با این حال به آن اشتیاق دارد و همین معلوم می کند که صفات نفسانی به عنوان ذهنی از آن لحاظ که عین خارج است تعلق گرفته است (و نه به وجود خارجی و نه به عنوان من حیث هی - به اینکه توجه کند که ماهیت با خارج مغایر است -)
۳. پس متعلق صفات نفسانی، عنوان ذهنی است و نه وجود خارجی. (منشأ انتزاع عنوان) و این وجود خارجی نه از اول متعلق صفات نفسانی است و نه اینکه بعداً و به وسیله این عنوان، صفات نفسانی به آن سرایت کرده باشد.

۱. نهاية الأفكار، ج ۲، ص ۳۸۱.



۴. [دلیل دیگر، بعد از توجه به مثال های قبل آنکه:]

۵. خارج ظرف سقوط اراده و طلب است [یعنی با انجام خارجی، طلب ساقط می شود] و نمی تواند ظرف ثبوت اراده و طلب باشد [چراکه اگر ماهیت در خارج موجود شود تکلیف ساقط است و به آن چه حاصل شده است، نمی توان امر کرد]

۶. [ان قلت:] مرحوم آخوند می فرمودند امر به وجود خارجی تعلق نگرفته است ولی به «ایجاد» تعلق گرفته است (به اینکه ماهیت را به جعل بسیط موجود کند) و این طلب محال نیست.

۷. [قلت:] ایجاد و جعل بسیط، معلول طلب است و لذا در رتبه طلب نیست (و به همین جهت گفته می شود «اراده کردم پس ایجاد کردم» و این پس (فاء) معلوم می کند که طلب و ایجاد در دو رتبه هستند) و لذا محال است که ایجاد متعلق طلب باشد.

ما می گوئیم:

۱. در توضیح فرمایش مرحوم عراقی لازم است اشاره کنیم که:

آنچه در عالم خارج هست یک وجود است که حدی دارد و آن ماهیت است و آن ماهیت در عالم خارج متحد است با وجود (این ماهیت را می توانیم «ماهیت متحد مع الوجود الخارجی» بنامیم).
مرحوم عراقی چنین ماهیتی را متعلق امر و نهی نمی داند، بلکه می گوید از همین «ماهیت متحد با وجود خارجی»، یک صورت ذهنی در ذهن داریم که به همان امر می کنیم. پس حیثیت ذهنی را دخیل می کنیم و می گوئیم:

«لحاظ و تصوّر [لحاظ تصوّری] ما» از «ماهیت متحد با وجود خارجی» متعلق امر است. (یعنی ماهیت من حیث هی متحد مع الخارج که همان ماهیت خارجی به لحاظ تصوّری است)

